

عشق در سینما
بوسه‌های دزدکی

صالح نجفی



انتشارات
بوسه‌های دزدکی
گروه نشر مطالب
رنگارنگ



نشر لگا

www.loga.ir

فهرست مطالب

۷ مقدمه
۱۷ ۱- مرور فیلم
۲۳ ۲- واکاوی فیلم
۵۷ کتاب نامه
۵۹ تعایه

مقدمه

آشپز: غذاهای رژیمی ۳۰ درصد مالیات اضافی دارند، محرک‌های جنسی ۵۰ درصد. اما بر اساس آنچه دیدم باید بگویم عاشق شما نیازی به این جور چیزها نداشت.

همسر: تو چه دیدی؟ بگو، می‌خواهم بدانم. آخر کسی جز تو خبر نداشت. دل همه به حال من می‌سوخت. تو هم همین‌طور. اگر شاهدهی نداشته باشم از کجا بدانم او واقعاً عاشقم بود؟

آشپز: اگر عاشقتش بودی، خیلی ضروری به نظر نمی‌رسد.

همسر: اتفاقاً، خیلی ضروری است! به من بگو چه می‌دانی.

آشپز: من چیزهایی دیدم که خودت اجازه دادی ببینم.

همسر: البته. اگر کس دیگری نبود که کارهای ما را تماشا کند

از کجا می‌دانستم رابطه‌مان واقعی است؟ به من بگو چه

دیدی؟ نکند خجالت می‌کشی بگویی؟

آشپز: نه. دیدم که تو را می‌بوسید... جامه‌هایت را می‌کند...

همسر: من چه می‌کردم؟

آشپز: می‌دیدم که می‌بوسی‌اش. می‌دیدم که در آغوشت می‌کشد...

همسر: آیا عاشقان همیشه همین شکلی معاشقه می‌کنند؟

آشپز: پدر و مادر من که همین شکلی معاشقه می‌کردند.

همسر: واقعاً؟ با چشم‌های خودت دیدی؟

آشپز: در سینما هم عاشقان بعضی وقت‌ها همین شکل رفتار می‌کنند.

همسر: نه، این مهم نیست.

آشپز: و در عالم خیال من (فانتزی) هم همیشه همین شکل است.

همسر: هیچ وقت حسودی نکردی؟ به ما حسودیت نمی‌شد؟ نمی‌خواستی به ما ملحق شوی؟ اگر می‌خواستی، حالا کمکم کن.

آشپز: نه، جرجینا.

همسر: برای زنده‌نگه داشتن خاطره‌ما که در آشپزخانه‌ت تو و در فانتزی‌های تو معاشقه می‌کردیم، حالا کمکم کن.

آشپز: نه.

همسر: برای زنده‌نگه داشتن خاطره‌ معاشقه‌ پدر و مادرت، حالا کمکم کن.

اورسن ولز در گفت‌وگو با خوان کوبوس، میگوئل رویو، و خوزه آنتونیو بیوندا دربارهٔ اقتباس عالی‌اش از محاکمه‌ی کافکا، گفت‌وگویی که اول‌بار در شمارهٔ ۱۶۵ کایه دوسینما در آوریل ۱۹۶۵ به چاپ رسید،* می‌گوید، «دوست ندارم "سکس" را روی پرده زشت و نابهنجار نشان دهم. این به خاطر اخلاق‌گرایی یا پاکیزه‌گرایی نیست؛ مخالفت من صرفاً جنبهٔ زیباشناختی دارد.» و سپس توضیح می‌دهد که معتقد است دو چیز هست که به هیچ‌وجه نباید روی پرده نشان داد: اجرای واقعی عمل جنسی و دعا به درگاه پروردگار. ولز می‌گوید، «وقتی بازیگری ادای عمل جنسی را درمی‌آورد یا وانمود می‌کند مشغول دعاست اصلاً باورم نمی‌شود. این دو چیز فوراً حضور دستگاه نمایش و پردهٔ سینما و یک مشت متخصص فنی و کارگردانی را که می‌گوید، "خوب است. قطع!" به یاد می‌آورد. و بعد می‌توانم تصورشان کنم که خود را آماده می‌کنند تا نمای بعد را فیلمبرداری کنند. درست مثل بازیگری که سعی می‌کند ظاهری عرفانی به خود بگیرد و مضطربانه به نورافکن نگاه می‌افکند...»

شاید این مهم‌ترین چالش سینما باشد: عشق را چگونه باید، اگر اصلاً بتوان، روی پرده نشان داد/ بازنمایی کرد؟ و یادمان باشد، اگر سینما نبود به احتمال زیاد آدم‌ها به شیوهٔ دیگری معاشقه می‌کردند یا شاید آدم‌ها می‌بایست به فکر راه‌های دیگری برای

* این گفت‌وگوی خواندنی و مهم را رحیم قاسمیان ضمیمهٔ ترجمهٔ خود از کتاب سینمای اورسن ولز کرده است. بنگرید به جوزف مک‌براید، سینمای اورسن ولز، انتشارات سروش، چاپ اول: ۱۳۷۴.